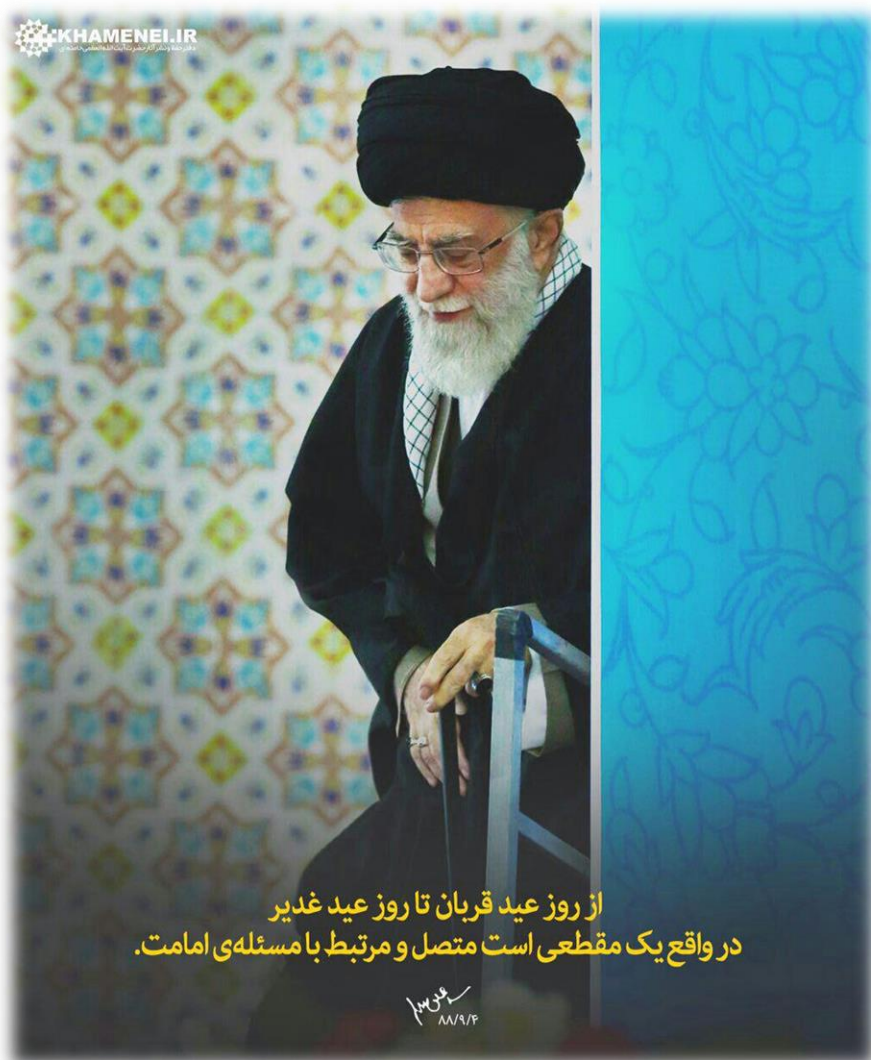


## بسم الله الرحمن الرحيم



از روز عید قربان تا روز عید غدیر  
در واقع یک مقطعی است متصل و مرتبط با مسئله‌ی امامت.

۸/۹/۴

## زندگی به سبک غدیر

یادداشت‌های استاد قنبریان در شهریورماه سال ۱۳۹۵ با موضوع ولایت فقیه و رهبری

## فهرست مطالب:

صفحه	عنوان مطلب
۲	مقدمه
۳ و ۴	دو روی سکه غدیر
۴ الی ۶	کجاست ثمره ی ولایت!؟
۷ الی ۹	چرا رهبری دخالت نمیکند!؟
۱۰ الی ۱۲	دو وجهی آزادی و شدت
۱۲ الی ۱۴	مثال این روزها: عذرخواهی ۷ سال تاخیر مرتضوی!
۱۵ الی ۱۸	سبک تولی
۱۸ الی ۲۰	سبک تبری

## مقدمه:

در این مجموعه سلسله یادداشت‌های استادقنبریان در شهریورماه سال ۱۳۹۵ جمع آوری شده است. این یادداشت‌ها به بحث ولی جامعه اسلامی میپردازد و شبهات امروزه که به بحث ولایت فقیه و شخص رهبری نسبت داده میشود را پاسخ میدهد، و کارهای اشتباه سر زده و افراط و تفریط‌های ولایتمداران را هم بیان میکند.

به همه دوستان ولایتمدار توصیه میشود که این جزوه را مطالعه کنند.

دوستان میتوانند برای دسترسی به دیگر مطالب استادقنبریان به سایت بیان توحید به آدرس

[www.tohed.ir](http://www.tohed.ir) یا به کانال رسمی استاد در تلگرام به آدرس @m\_ghanbarian

مراجعه کنید.

همچنین خواهشمندیم با ارائه نظرات خود در باب تهیه جزوات استاد و انتشار مطالب استاد ما را یاری کنید.

## دو روی سکه غدیر

۱- اطاعت مردم از ولی: این روی رامی‌شناسیم چون بیشتر گفته شده همان من کنت مولاه...

۲- ضمانت زندگی مردم از سوی ولی:

در قبال آن اطاعت از سوی مردم این ضمانت هم از سوی ولی است.

روایات بدین مضمون زیاد است که هرکس مالی به ارث گذاشت، برای ورثه اش اما اگر جای ارث قرض داشت گردن ولی مسلمین است. (رجوع کنید به مجموعه الحیات/استاد حکیمی/ج ۲)

❖ وقتی از امام صادق (ع) درباره «اولی بالمومنین من انفسهم» سؤال شد که پیامبر و امام چگونه بر مومنین از خودشان اولی و برترند؟ همین را از قول پیامبر پاسخ داد.

سپس فرمود همین هم باعث اسلام آوردن یهودیانی شد که مسلمان شدند چون دیگر نگران وضعیت خانواده شان نبودند. (الکافی ج ۱ ص ۴۰۶)

❖ پس اطاعت مردم و ضمانت زندگی مردم از سوی ولی دو روی سکه ولایتی هستند که خداوند در غدیر جعل کرد.

۳- فهم رهبر معظم انقلاب: بیانات در دیدار با خبرگان تاریخ ۸۳/۶/۳۱

«مشروعیت همه ی ما بسته به انجام وظیفه و کارآیی در انجام وظیفه است. بنده روی این اصرار و تکیه دارم که بر روی کارآیی ها و کارآمدی مسئولان طبق همان ضوابطی که قوانین ما متخذ از شرع و قانون اساسی است، بایست تکیه شود. هر جا کارآمدی نباشد، مشروعیت از بین خواهد رفت. این که ما در قانون اساسی برای رهبر، رئیس جمهور، نماینده ی مجلس و برای وزیر شرایطی قائل شده ایم و با این شرایط گفته ایم این وظیفه رامیتواند انجام بدهد، این شرایط، ملاک مشروعیت برعهده گرفتن این وظایف و اختیارات و قدرتی است که قانون و ملت

به ما عطاء میکند؛ یعنی این حکم ولایت، با همه ی شعب و شاخه هایی که از آن متشعب است رفته روی این عناوین، نه روی اشخاص.»

## کجاست ثمره ی ولایت؟!؟

۱- شبهه:

قرآن ثمره ی نبوتها و ولایتها را برقراری قسط و روایات نیز از جمله ی آن ثمرات را ضمانت معیشت مردم می‌شمارد؛

❖ آیا امام علی (ع) توانست عدالت کامل را برقرار کند؟!؟

در همان ایام حکومت ایشان، طلاهای زیر را بعد فوت با تبر شکستند!

۱۵ خانه مجلل در جهان اسلام داشت وضع دیگر خواص هم بهتر نبود!

در حالیکه امام بخاطر همدردی با محرومین همین سالها به نان جو بسنده کرده بود.

❖ یا در کشور ما با گذشت ۳۷ سال از برقراری حکومت ولایی، هنوز شاهد بی عدالتی فاحش و فقر و تبعیض هستیم!

در حالیکه مردمی اطاعت پذیرتر از کوفیان و مدتی مدیدتر از علی (ع) وقت داشته ایم!

❖ مثلاً طبق آمار رسمی ۲ دهک پایین درآمدی (حداقل ۳۸۵۰۰۰۰ نفر) درآمد سرانه یک ماه آنها کفاف یک سوم هزینه اجاره یک اتاق هتلی ۴ یا ۵ ستاره در تهران برای یک شب نمیشود!

در حالیکه در دهکهای بالای درآمدی، ۶ درصد ایرانیان دارای ویلای شخصی و متوسط ۲۳۰ هزار میلیارد تومان که برابر یک سوم کل نقدینگی کشور است را صرف تفریح خود میکنند! به گفته شهردار تهران فقط در این شهر ۱۵۰۰۰ کارتن خواب است!

پس کجاست ضمانت زندگی و معیشت مردم!؟

**۲- مقتضی و مانع:** در پاسخ باید گفت: ولایت، «مقتضی عدالت» و «عامل ضمانت معیشت» است اما باید «موانع» راهم شناخت. مقتضی مثل شمعی است که اقتضاء روشن شدن دارد و مانع مثل بادی است که جلوی روشنی شمع را میگیرد.

❖ سیاستهای اقتصادی و رویه های تبعیضی توسط خلفای قبل، تغییرش توسط امام حتی به جنگ داخلی کشید!

امام در خطبه ای ۲۵ بدعت برجامانده را می شمارد که «اگر به رفع آنها اقدام کند جامعه از هم میپاشد»!

اقلا ۱۰ مورد آنها، بدعتهای اقتصادی از جمله تبعیض در حقوقها و عطایاست (الکافی/ج ۸).

### ۳- در جمهوری اسلامی:

در جمهوری اسلامی نیز جمع همه ی آرمانهای انقلاب موجب شده هم جمهوریت و تفکیک قوا و انتخابات آزاد باشد و هم آرمان عدالت و ارزشهای اسلامی و هم استقلال.

اما همین حسن منحصر بفرد، موجب جرح و تعدیل آرمانها هم میشود (دقت کنید).

برای نمونه قریب ۱۵ سال از فرمان ۸ ماده ای مبارزه با فساد اقتصادی از سوی ولایت به ۳ قوه میگذرد اما باز شاهد عدم تحقق هستیم. وقتی بعد از این همه سال دوباره سران سراغ همایش برای این مهم میروند رهبری در دو خط به آنها مینویسد:

«این سمینار و امثال آن بناست چه معجزه ای بکند؟ مگر وضعیت برای شما مسئولان سه قوه روشن نیست؟! آقایان تصمیمات قاطع و عملی بدون هرگونه ملاحظه ای بگیرند و اجراکنند»  
(۹۳/۹/۱۷).

#### ۴- تجزیه آرمان‌ها:

واقعیت این است که عمده دولتها و مجالسی که در سه دهه اخیر بروز کرده اند برآمده از دو جناح اصلی کشور بوده اند که یکی، «آزادی» و دیگری، «استقلال» وجه اصلی همت اوست. گرچه این دو هم آرمانهائی عزیزند؛ اما نگاه تعادلی و توأمان به این دو، بعلاوه عدالت اجتماعی کمتر وجه همت و برآیند تقنین و اجراء بوده.

❖ با دولتی آزادی کاسته و با دولتی استقلال به مخاطره افتاده و تقریباً در هر دو عدالت مبارزه با تبعیض عقب افتاده است!

در برخی دولتها جلسه کمیته مبارزه با فساد متشکل از سه قوه سالانه هم تشکیل نمیشد!

#### ۵- رهبری و محرومان:

از این رو رهبری یکی وضع زندگی خود و نزدیکانش را نزدیک به محرومان نگاه داشته و یکی از منابع در اختیار رهبری که قبلاً در سفرهای استانی موجب پروژه هائی برای محرومین میشد مثل بنیاد برکت راه اندازی شده تا مرحمی بر زخم محرومان باشد. تشویق صدها گروه جهادی خودجوش یا بسیجی تلاش دیگر ایشان برای فراموش نشدن مستضعفان است.

امیرالمومنین فرمود:

«کارها با کارگزاران مستقیم و برپا میشود» و «آفت کارها، ناتوانی کارگزاران است»

(غرر الحکم ۷۹۲۰/۷۹۲۴)

## چرا رهبری دخالت نمیکند!!!

برخی میگویند:

منطقی نیست اگر در کشور حُسنی (مثلاً امنیت) هست از تدبیر رهبری باشد ولی اگر نقص و عیبی (مثل فساد اداری و اقتصادی) باشد به دولتها و مجالس نسبت داده شود!

دست آخر یک حاکمیت یکپارچه در کشور است. مجلسها و دولتها هم پس از تأیید شورای نگهبان منصوب رهبری سرکار می آیند.

رهبری شخص اول مملکت است چرا باید در مثل مفاصد اقتصادی صرفاً به فرمان ۸ ماده ای سال ۸۰ و تکرارش درسخرانی بسنده کند؟! چرا ورود نمیکند!؟

### ۱- دو دسته نهاد براساس قانون اساسی:

الف) نهادهائی که مدیریت رهبری در آن مستقیم و بلا واسطه است.

ب) نهادهائی که مدیریت رهبری در آن کلان و غیر مستقیم و به واسطه قوای دیگر است.

✓ طبق قانون اساسی فقط قوای مسلح از نوع الف است.

قوه قضائیه گرچه رئیس آن منصوب رهبری است اما ساختار و قوانین آن باید از طریق لوایح دولتی یا طرحها به تصویب مجلس برسد.

صدا و سیما نیز رئیس و سیاستهای کلانش از سوی رهبری اعلان میشود اما شورای نظارت بر آن برآمده از سه قوه است. لذا میبینیم اگر منصوب رهبری، عملکردش مورد پسند دولت نشد، عمر ده ساله مدیریت او به ۱۸ ماه تقلیل می یابد!

حال اگر «پیشرفت در صنایع دفاعی» (علی رغم طولانی ترین و شدیدترین تحریمها) یا «امنیت بالای ایران نسبت به سایر کشورهای منطقه» (باتوجه به اینکه سهم اعظم امنیت از آن



نیروهای نظامی و انتظامی است) به تدابیر و مدیریت رهبری نسبت داده شود از این منظر بهره مند است.

## ۲- مدیریت انقلاب و مدیریت اجرایی:

در نهادهای دسته‌ی ب، رهبری وقتی مداخله مستقیم میکند که تصمیمات آن نهاد به کج شدن مسیر انقلاب بیانجامد.

رهبری در این باره میفرماید: «مسئولین در بخشهای مختلف، مسئولیتهای مشخصی دارند. در بخش اقتصادی، سیاسی، دیپلماسی، نمایندگان مجلس در بخشهای خودشان، مسئولان قوه قضائیه در بخش خودشان، مسئولیتهای مشخصی دارند. در همه اینها رهبری نه میتواند دخالت کند، نه حق دارد دخالت کند، نه قادر است دخالت کند؛ اصلاً امکان ندارد. خیلی از تصمیمهای اقتصادی ممکن است گرفته شود، رهبری هم قبول نداشته باشد اما دخالت نمی‌کند؛ مسئولینی دارد، مسئولینش باید عمل کنند. بله، آنجا که اتخاذ یک سیاستی منتهی خواهد شد به کج شدن راه انقلاب، رهبری مسئولیت پیدا میکند.»

(دیدار با دانشجویان کرمانشاه مهر ۹۰/۹۰ با دانشجویان قزوین ۸۲/۹/۲۶ هم ملاحظه شود).

پس نباید انتظار داشت تا تصمیمی (مثلاً قرار دادهای نفتی یا برجام یا FATF) مورد نقد واقع شد یکباره رهبری مداخله مستقیم کند.

## ۳- روند دخالت رهبری:

ممکن است گفته شود درباره برخی موارد آیا هنوز وقت دخالت رهبری نرسیده است؟!

زیاد شدن فاصله طبقاتی و مفاسد اقتصادی به حدی نرسیده که مسیر انقلاب را کج کند؟!



✓ خود ایشان پاسخ میدهند: «دانشجویی دو سه هفته قبل از من سؤال کرد: درمسأله عدالت چرا خودتان وارد میدان نمیشوید؟ این توقع درستی نیست. مدیریت انقلاب، غیر از مدیریت اجرائی است. برای رهبری وارد شدن در میدان:

اولا به صورت طرح مسأله و بسیج افکار عمومی است.

ثانیا به صورت خواستن از دستگاہهای اجرائی است...

(ثالثا) اگر روزی معلوم شود دستگاہ های قوه مجریه و قوه قضائیه آماده نیستند کار کنند رهبری چاره ای پیدا نخواهد کرد جز اینکه خودش وارد میدان شود کسی را بگمارد و مأمور مشخصی را برای اینکار معین کند» (با دانشجویان دانشگاه بهشتی ۸۲/۲/۲۲).

پس نیروهای انقلاب منتظر میتی کمان رهبری ننشینند مطالبه را عمومی کنند افکار عمومی را حساس کنند تا خواستن رهبری از مسئولان نتیجه دهد.

#### ۴- نمونه های این سالها:

۱. روشننگری خواص درباره وقف اموال دانشگاه آزاد (۲۵۰ هزار میلیارد تومان ارزش اموال) و مداخله رهبری و جلوگیری از این ویژه خواری
۲. افشاگری رسانه ها درباره حقوقهای نجومی و دستور مؤکد و مکرر رهبری به قوای سه گانه برای پیگیری
۳. توجه دادن رهبری به مسأله کوه خواری و حساس شدن بیشتر جامعه و شروع پیگیری های اجرائی و قضائی.
۴. دستور به آتش زدن اموال کشف شده قاچاق برای ضربه زدن به قاچاقچیان بزرگ (فقط سال ۹۴ به میزان ۵۰۰۰ میلیارد تومان کشف قاچاق بود!)
۵. و...

## دو وجهی آزادی و شدت

ولی، هم آمده است «بارِ گران از دوش بندگان و بند و زنجیر تحمیل شده برآنان را بردارد» (۱۵۷/اعراف) (آزادی)؛

و هم «حدید (شمشیر) آورده تا مقابل زیاده خواهان بایستد و قسط برپا کند» (۲۵/حدید) (شدت و حدت).

🚩 عده ای اما آزادی اش را برنمی تابند وعده ای شدت و حدتش...

### ۱- ولایت مداران مستبدا!

این دسته در کشور ولایت به مرور چهره صرفا خشن یافته داغتر از ولی و جلوتر از او می افتند و «مارق» (کسی که از حد بگذرد)، نام میگیرند.

همه گناهان نزدشان کبیره و هر کبیره هم کفر و هر کفاری هم مهذور الدم است! نهی از منکر جزء اصول دینشان است نه فروع! و...

### ۲- ولایتمداران متساهل!

اینان حق طلبی و اقامه حدود و اسلام خواهی ولی را برنمی تابند. حتی او را خشن و مسلمان کش میخوانند!

میخواهند حتی در مقابل قاسطین و ظالمین و حدشکنان هم امام متساهل باشد. شمشیر و حدت فقط برای کفار و مشرکان بیرون مرز باشد، داخل صلح کل!

### ۳- تیپ دو جبهه:

در هر دو جبهه عالم و زاهد و آدم لالابالی هست، یکباره کلیشه رایج ذهنیت را نگیرد که اهالی اول اهل سجاده اند و دوم اهل بزم و...!

اینگونه به خطا خواهی رفت و زمانت را نخواهی شناخت. گرچه گر (پایه) دسته اول خوارجند اما طیف کم رنگش در بین اصحاب امام هم پیدا میشود.

وقتی امام به خوارج آزادی داد که در مسجد و حتی در نماز با او مناظره کنند، برخی یاران امام از مدارای امام گله مند بودند اما امام میفرمود تا خون نریخته اند آزادند!

اشعث بن قیس رئیس منافقان کوفه بود که امام هم او را منافق پسر کافر خواند (خطبه ۱۹)، هروقت امام برای اذان به مأذنه میرفت او هم بر بامش میرفت و در مقابل هر تکبیر امام شعاری میداد: تو آدم دروغگوئی هستی مردم را فریب نده! بعد هم در جماعت حاضر میشد عده ای میخواستند متعرضش شوند اما امام اجازه نمی داد.

اگر برخی مستبدین ما بودند وقتی بعدا ماهیت و ضربه ی اشعث در مثل حکمیت (که به دهان خوارج انداخت و هم ابو موسی را جای مالک اشتر قالب کرد) حتما به امام میگفتند: نگفتیم او جاسوس است؟! نگفتیم بگیر و ببند!؟

در مقابل وقتی امام علیه حزب اموی شورید تا ریشه قاسطین را بکند طیف دوم پیدایشان شد گروهی قاری و زاهد که تساهل پسندشان بود و نزاع با مسلمان را بد میشمردند لذا بیطرفی اختیار کردند! باورتان میشود ۳۰۰۰۰ از اینان بین دو لشکر در منطقه بیطرف اردو زدند و مردم را دو دل و متحیر کردند؟! (وقعه صفین/نصرین مزاحم/ص ۱۸۸) و اینان غیر از خوارج بودند که در اثنای جنگ دچار فتنه قرآن بر نیزه شدند.

#### ۴- ولایت فقیه و این دو طیف:

دیروز و امروز با این دو جبهه در کشور و اهالی ولایت مواجهیم. نمونه ها بسیار است از آخرین هایش مثالی میزنم:

انتخابات ۸۸!



عده ای از رهبری می‌خواهند که همان ابتدای ثبت نام موسوی منصرف یا رد صلاحیت شود چون در نخست وزیری با آقا زاویه داشته است! رهبری اما موافقت نمی کند و معیار رد صلاحیت را این نمیداند (ر.ک: خاطره آقای قرائتی با آیت الله جنتی در این باره)!

و عده ای در مقابل پس از فتنه آشکار ۸۸ لب به سکوت می‌بندند و بی طرفی اتخاذ میکنند! حتی برخی از ائمه جمعه و نمایندگان ولی فقیه! با وجودی که ظاهراً رهبر آخرین نفری است که حصر آنها را قبول میکند تا فتنه صفوف مردم را متشتت نکند و بیش از این زمینه دخالت بیگانه فراهم نشود، عده ای از همان ساکتین سخن از رفع حصر و گذشت و... ساز میکنند!

آری عده ای آزادی و عده ای شدت ولایت را بر نمی تابند، درحالی که قرآن درباره منافقان دستور «وغلظ علیهم» هم دارد...

## مثال این روزها: عذرخواهی ۷ سال تأخیر مرتضوی!

گفتم برخی «نرمی و آزادی» ولیّ جامعه را بر نمی تابند و برخی «شدت او بر منافقان» را.

مثال زنده اش این روزها دهن به دهن می‌چرخد:

از یک طرف عذرخواهی ۷ سال با تأخیر مرتضوی!

از طرف دیگر نتیجه های واهی گرفتن از این عذر خواهی از سوی مایلین فتنه ۸۸: «پس

معترضان ۸۸ را محق دانسته»!

«سه قوه و اقلأ یک دبیرخانه را شرمنده کرد»!

و...

✓ یک مرور سریع

آنهایی که از سال ۸۸ مواضع ما را رصد میکنند مطلعند در «نافله بصیرت» (نشریه داخلی مسجد بلال در آن سالها) شماره ۶ تاریخ ۲۵ دیماه سال ۸۸ ویژه نامه کهریزک زدیم و همان وقت مرتضوی را به افراط مهر کردیم بدون اینکه فتنه ۸۸ را تطهیر یا مقصران واقعی این هزینه‌ها یعنی سران فتنه را تبرئه کنیم. امروز مروری بر همان صفحات را میخوانید:

### ۱- غیر قانونی بودن بازداشتگاه:

در آن سالها و قبل از ماجرای ۱۸ تیر ۸۸ قائم مقام دادگستری تهران، کهریزک را غیر قانونی اعلان میکند. رئیس دادگستری تهران آنرا نیازمند استاندارد سازی، و مدیر کل زندانها از اساس مخالف بازداشت در آن است. اما مرتضوی آنرا قانونی میخواند! حتی تا مهر ۸۸ (پس از کشته شدگان) از دو قاضی پرونده‌ی اعزام به کهریزک - که زیر نظر اویند- دفاع میکند! (آرمان/۱۳ مهر ۸۸).

### ۲- منع بالا دستی از اعزام به کهریزک:

دادستان کل کشور در آن وقت (دری نجف آبادی):  
«از ماه گذشته (تیر) تذکر داده بودیم که کسی را به کهریزک نبرند / از ۸ تیر تأکید فراوان کردیم / ولی غفلت و سهل انگاری بعضی برادران [مرتضوی] باعث حادثه کهریزک شد» (دوماهنامه چشم انداز ایران آبان و آذر ۸۸/ص ۲۲).

### ۳- عصیان از رهبری:

۱۸ تیر بازداشتها / ۱۹ تیر اعزام به کهریزک.

به گزارش سایت جهان ۲۰ تیر رهبری مطلع شده سریع دستور انتقال به جای دیگر یا آزادی در صورت نداشتن جا، می‌دهد. اما جابجائی ۲۳ تیر انجام میشود و همان روز فوت آنها اتفاق می‌افتد. حامل دستور رهبری دکتر جلیلی بوده که به مرتضوی زنگ میزند اما...!

آیا این مثالی گویا برای شدت بیش از حد بر چند جوان و نمونه ای از بر نتابیدن نرمی و ترخیص ولی از سوی مارقین نیست؟!

#### ۴- عذرخواهی دور هنگام:

❖ رهبری همان روزها ماجرای کهریزک راجنایت خواند (۵ شهریور ۸۸)

❖ آیت الله مکارم از دادستان جدید مطالبه پیگیری کرد.

❖ ۱۵ شهریور سال ۸۸ رئیس بازرسی کل نیروی انتظامی از مردم عذرخواهی کرد

اما مرتضوی با وجود نقش بیشتر، داغتر از آش و انقلابی تر از رهبر هنوز توجیه کرد و دفاع کرد! و امروز با عذرخواهی دیر هنگام فقط خوراکی برای مایلین فتنه دیروز ساخت تا با آن نفاق برخی و لزوم شدت درباره فتنه گران اصلی را زیر سؤال برند و ماهی خود را بگیرند. عذرخواهی او امروز حتی التیامی بر درد پدر و مادر فوت شدگان هم نیست بلکه تازه کردن زخم آنهاست.

۵- درس بزرگ: دوست داران ولایت و جوانان حزب اللهی باید مراقب دو وجهی آزادی-شدت

باشند نه آنجا که ولیّ، نرمش روا نمی‌دارد منفعل شوند و از عفو مثل کروبوی و موسوی بگویند یا سکوت کنند، و نه آنجا که ترحم و نرمی لازم است به تندی روند و خدای نکرده خودسری کنند و فاجعه کوی دانشگاه و جنایت کهریزک پدید آورند.

✓ بدانند اینها دل ولیّ جامعه را خون میکند چنانچه به زبان هم آورد...

## سبک تولی

### ۱- هشدارهای ائمه:

امیرالمومنین فرمود: دو گروه درباره من «هلاک» میشوند: یکی گروهی که در محبت من افراط میکنند و محبت افراطی شان آنان را «بسوی غیرحق» میبرد... (خ ۱۲۷/نهج البلاغه).

دوستی امام و تولی به او صراط مستقیم است و بدون آن نجاتی نیست اما همین اگر به افراط کشد، سر از غلو در می آورد که «راه و مقاصد امام را کج میکند» لذا قرآن مومنان را از غلو نهی میکند (لا تغلوا فی دینکم/۱۷۱/نساء).

جالب تر آنکه کار این محبت مبالغه آمیز و افراطی کاملاً منطبق با نقشه دشمن امام میشود! امام (رضاع) فرمود: مخالفان ما سه دسته خبر درباره ما جعل کردند:

۱. غلوآمیز
  ۲. مشتمل بر تقصیر و کوتاهی درباره ما
  ۳. مشتمل بر تصریح به طعن و ناسزا درباره دشمن ما.
- (عیون اخبارالرضا/ج ۱/ص ۳۰۴) دسته اول کار دشمن منطبق با کار و ذوق محبان غالی است.

❖ اثر غالیان در جلوگیری از نشر و نمو فرهنگ اهل بیت را باید در تاریخ خواند.

۱. «سعید بن مغیره ها» و «ابولخطابها» (هر دو از غالیان عهد صادقین)
۲. لبه دیگر قیچی «مغیره بن شعبه ها» و «ابن خطابها» بوده اند!
۳. دومی ها خانه امام را آتش زدند و حقش را غصب کردند، اولی ها قلوب و فطرتها را از آنان فرار دادند! یکی با بغض و دشمنی اش و یکی با حب افراطی اش!

و...

## ۲- مبالغه و غلو درباره رهبری:

امروز نیز ولایت فقیه و مصداق مقبول آن نسخه نجات بخش امت است، اما باز با همان مشکل مواجهیم.

محبت‌های افراطی از تبرک جستن چند جوان به زیلوی حضرت آقا و نصب تابلو در کوه جای نشستن آقا برای استراحت که شاهد مثال مغرضان برای ماندن قلوب ضعفاء می‌شود؛ گرفته تا مبالغه‌هایی که برخی خواص و منتسبین یا منصوبین ولی امر میکنند و عملاً در بین طبقات بسیاری از جامعه ضد تبلیغ میشود ولو هورای مریدان را داشته باشد.



ماجرای یا علی گفتن آقا در لحظه تولد که امام جمعه قم گفت، یا مصون از خطا بودن ولی فقیه که رئیس جامعه مدرسین گفت (خبرگزاری رسا ۱۹/۴/۹۰ کدخبر: ۱۰۸۴۴۸) فقط نمونه‌هایی از مبالغه است که بزرگان مرتکبش میشوند.

## ۳- نهی صریح رهبری از اینگونه مبالغه‌ها:

۱. نهی از شعر «سرور ما خامنه‌ای» ۲۴/۶/۷۷: «سرور فقط خدای متعال است... این کلمات مبالغه‌آمیز را حذف کنید وقتی این کلمات را میشنوم حقیقتاً متأذی میشوم».



۲. نهی از تعبیر «علی زمان» ۱۲/۸/۸۰: «وقتی کسانی اسم مبارک امیرالمومنین یا اسم مبارک ولیعصر را می آورند بعد اسم ما را هم دنبالش می آورند بنده تنم میلرزد آن حقایق نور مطلق با ما که غرق در ظلمتیم بسیار فاصله دارند».
۳. دیدار سالانه نمایندگان مجلس در سال ۹۰، وقتی یکی از نمایندگان تعریف و تمجیدهای مبالغه آمیز کرد ایشان فرمود: «این جور بیانات هم به ضرر من است هم ضرر خود گوینده است نباید این بیانات به این شکل بیان شود».
۴. مهر ۹۱ در جریان سفر نوشهر و دیدار با نیروهای مسلح منطقه وقتی در سرود آنها آقا به: «کشتی ولایت را/ناخدای دورانی...بیم موج و طوفان نیست/ تاتو نوح ما هستی» توصیف شد ایشان تذکر دادند: «من به شما عرض میکنم به همه هم این را میگویم و گفته ام و تکرار میکنم مبدا آن صفاتی، خصلتی، مناقبی که متناسب با وجود ولی عصر ارواحنا فداه هست اینها را تنزل بدهیم در سطح انسانهای کوچک و ناقصی مثل این حقیر...این نوح امام زمان است».
۵. در اردیبهشت ۹۱ در جمع فرماندهان نیروی زمینی ارتش از تعبیر «جانم فدای رهبر» خورده گرفتند: «این را من باید تأکید کنم نه خدا راضی است نه احکام اسلام اجازه میدهد که ما بگوییم ارتش ما...بخاطر فلان آدم بمیرد! نه! بله؛ برای خاطر اسلام همه بمیرند فلان آدم هم بخاطر اسلام بمیرد».
۶. و...
- ۴- محبت واقعی به تبعیت است:
- قرآن محبت واقعی را به تبعیت میدانند (۳۱/ آل عمران).
- ما دوستداران این رهبر حکیم خوب است با تبعیت همه جانبه به ایشان محبت کنیم نه با مبالغه در تعابیر.

ایشان فقط ۱۰۰ جلد کتاب در ماشین خوانده و دائم از نرخ پایین مطالعه در ایران گله کرده، ببینیم چقدر اهل مطالعه هستیم همان قدر به ایشان نزدیکیم یافتن بقیه موارد لازم تبعیت باشما...

## سبک تبری

### ۱- پند امیرالمومنین به یاران مخلص خود:

❖ در صفین روزی حجر بن عدی و عمر بن حمق (از یاران مخلص امام علی) شروع به ناسزا گفتن از اهل شام کردند. امام کسی را نزد آنان فرستاد که بدین کار اقدام نکنند.

- آن دو نزد امام آمدند و گفتند: یا امیرالمومنین مگر ما برحق نیستیم؟
- چرا.
- مگر اهل شام بر باطل نیستند؟
- چرا
- پس چرا ما را از دشنام دادن به آنها باز می داری؟!
- من دوست ندارم که شما دشنام دهید و از یکدیگر بیزاری جوئید ولی «اگر زشتی های اعمال آنها را بگوئید این گفتار نیکویی است و به عذر رساتر خواهد بود»
- به جای دشنام دادن به آنها و بیزاری جستن از آنها بگوئید: خدایا خونهای ما و آنها را حفظ کن و بین ما و آنها اصلاح گردان و آنان را از گمراهی برهان.
- «تا بدین وسیله نادانان آنها حق را بشناسند و از جور و عدوان دست بردارند» این نزد من محبوبتر است و برای شما نیز بهتر است.
- آنها گفتند: یا امیرالمومنین ما پند تو را قبول می کنیم... (وقعه صفین/نصر بن مزاحم/ص ۱۰۳)

✓ ناسزا و فحش به مخالفین ولایت نقشه دشمن نیز است که دیروز حدیثش از امام رضا(ع) گذشت.

## ۲- مرگ بر... هم داریم:

بین مرگ بر... و لعن، با فحش و سب و ناسزا فرق است.

اولی نفرین و دعای منفی است اما دومی بدگوئی و حرف رکیک است.

اولی در قرآن هم هست (قاتلهم الله/فتعسالمهم/و...) اما دومی راقرآن منع کرده است (۱۰۸/انعام)

امام خود هر وعده بعد نماز سران فتنه روزگارش (معاویه و عمروعاص و ابوموسی) را لعن میکرد (وقعه صفین/ص ۱۵۲).

نکته درخور توجه آن است که وقتی فضا فتنه گون است و جوانان بسیاری سردرگم اند، روشنگری و استدلال کاراثر است تا لعن و مرگ بر...!

افضلیت عمار درصفین نسبت به دیگر یاران صدیق امام در همین بود که جای عقده گشائی و ناسزاگوئی، روشنگری و استدلال میکرد.

## ۳- پند رهبر حکیم انقلاب:

۹۴/۱۰/۱۴ در دیدار با ائمه جمعه: «فرض کنید شما با یکی مخالفید، میخواهید راجع به او حرف بزنید دو جور میشود حرف زد. یک جور میشود هتاکانه و بی باکانه حرف زد، یک جور هم میشود مؤدب حرف زد. شما ببینید در قرآن کریم در بسیاری از موارد وقتی صحبت از کافرین است صحبت از بدهای اشرار عالم است میفرماید: ولکن اکثرهم لایعلمون. نمیگوید: همه آنها! ملاحظه میکنید بالاخره یک اقلی هستند بین همین ها که اینها تعقل دارند قرآن کریم ملاحظه ی حق آنها رامیکند واکثرهم میفرماید».

❖ از همین جا فاصله بزرگان ما با ایشان معلوم میشود در بیانات ایشان استدلال از همه رساتر و ادب از همه بیشتر است. ائمه جمعه خوب و بصیر ما، گاه این خطاها را دارند.

✚ روزی رئیس دفتر رئیس جمهور قبل «مگس» خطاب میشود (صراط/۲۶/دی/۸۸)،

✚ روزی اهل کنسرت «اقلیتی هوس باز و شهوتران» خطاب میشوند (الف/کدمطلب/۲۸۰۶۴۵)

✚ مشهورترین مداحان با اخلاصمان گاه مخالف خود را «پوفیوز»، «یهودی صفت» و...

میخوانند!

✚ حزب الهی ها مان با چاپ عکس و قابل اشاره برخی را «دیوث» میخوانند و...!



خیلی سخت است ببینند دشمن چه استفاده ای میکنند؟! منافقانی با طرح دستی و کار رسانه ای، جبهه فتنه و نفاق را همه مؤدب و جبهه حق را سرتاسر پر خاشگر و بی نزاکت جلوه میدهند و جوانان را فرار می دهند؟!

❖ اگر چنین الفاظی مستحب هم می بود در این تراحم ثوابی نداشت چه رسد که درس قرآن و ولایت چیز دیگر است.

✓ خداوند مثل بنده ای را به امام و رهبر خویش نزدیک و کلام او را روشنگر اما مؤدب قرار دهد.

استاد قنبریان